

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۴

جلوه‌های پایداری در اشعار فدوی طوقان و سپیده کاشانی* (علمی- پژوهشی)

دکتر منوچهر اکبری

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

دکتر خیریه عچرش

استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه شهید چمران اهواز

علی احمدی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده

مقاله پیش رو، به تشریح جلوه‌های مقاومت در اشعار فدوی طوقان و سپیده کاشانی در ادبیات معاصر عرب و ایران می‌پردازد. حوادثی مانند اشغال فلسطین و حمله عراق به ایران، باعث آفرینش آثاری همسان در حوزه ادبیات مقاومت ملل شد که به نوبه خود آثار این دو شاعر زن، میراثی ارزشمند در عرصه شعر مقاومت دو سرزمین محسوب می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد؛ ترسیم چهره رنج کشیده مردم، دعوت به مبارزه و پایداری، شهامت و جسارت در گفتار، دفاع از حقانیت قدس، توصیف و ستایش جان‌باختگان و شهیدان، ستایش آزادی و آزادگی، امید به پیروزی و القای امید به آینده، عشق به سرزمین و پابندی به وطن، تکریم انقلابیون تاریخ، پایداری زنان، بهره‌گیری از نمادها، قهرمانان و شخصیت‌های تاریخی و دینی از وجوه بارز و متمایز شعر پایداری این دو شاعر فلسطین و ایران است. فدوی طوقان را از ارکان شعر مقاومت در ادبیات معاصر عرب می‌شناسند و سپیده کاشانی را از اولین شاعران زن ایرانی قلمداد می‌کنند که حتی پیش از شروع جنگ تحمیلی با سروده‌های انقلابی‌اش، در خصوص جریان پایداری و مبارزه ایرانیان در مقابل رژیم پهلوی، ریشه‌های این جریان شعری را در ادبیات فارسی آبیاری کرد.

واژه‌های کلیدی: مقاومت فلسطین، دفاع مقدس، قدس، شهادت.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۱/۱۱/۱۸
makbari@ut.ac.ir
echreshkh@yahoo.com
a.ahmadi@yaho.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۷/۲۴
نشانی پست الکترونیک نویسندگان:

۱- مقدمه

«ادبیات پایداری، به مجموعه آثاری اطلاق می‌شود که از زشتی‌ها و پلشتی‌های بیداد داخلی یا تجاوزگر بیرونی، در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی؛ با زبانی هنری سخن می‌گوید. برخی از این آثار، پیش از رخ نمودن فاجعه، برخی در میان جنگ یا پس از گذشت زمان- به نگارش تاریخ آن می‌پردازند» (شکری ۱۹۷۹: ۱۰).

فلسطین و ایران در قرن بیستم، آبستن حوادث متعددی بوده است که منجر به شکل‌گیری و بالندگی ادبیات مقاومت شده است. ویژگی برجسته شعر پایداری ایران و فلسطین، دفاع از هستی و هویت سرزمین در برابر تاخت و تاز اشغالگران است.

با توجه به گسترش مفهوم ادبیات مقاومت در ادبیات معاصر جهان؛ به ویژه در ادبیات معاصر ایران و عرب و با توجه به ویژگی خاصی که این رویکرد ادبی در جهان معاصر و در میان انواع ادبی گوناگون جهان پیدا کرده است، در این مقاله سعی شده است که برخی از جلوه‌های پایداری اشعار فدوی طوقان و سپیده کاشانی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد؛ مصادیق مشترک دوشاعر در حوزه شعر پایداری فلسطین و ایران تبیین شود تا گوشه‌هایی از زوایای ناشناخته میراث ادبی دو کشور مقاوم را به ادبیات جهانی بشناساند و گامی هر چند اندک در بارور سازی مطالعات بین‌رشته‌ای بردارد.

۱-۱- بیان مسئله

ادبیات مقاومت ایران و عرب و شعر آن از موضوعات مهمی است که محققین و نویسندگان معاصر، به‌طور گسترده‌ای به آن پرداخته‌اند. بسیاری از شاعران ایران و عرب، اشعار حماسی و پر سوز و گدازی در این حوزه سروده‌اند. در حوزه ادبیات مقاومت، حفظ یاد و خاطره سلحشوری‌ها و رزمندگان، حفظ و ایجاد روحیه وطن‌دوستی، فرهنگ‌سازی و هویت ملی مذهبی، ارائه اسوه‌های جوانمردی به نسل حاضر و آتی، جستجوی مفاهیم، مصادیق ارزش‌های شعر پایداری و دفاع و جنگ در خور عنایت است.

شعر، یکی از ابرازهای مقاومت درونی روح آدمی است که در برابر فشارهای روانی بیرون می تواند مؤثر واقع شود؛ از این رو، در میدان مقاومت، در کنار رزمنده‌ها، ده هزار نفر شعر به دست در حال نبرد هستند.

این پژوهش بر آن است که با رویکرد تطبیقی، بن‌مایه‌های ادبیات پایداری در اشعار دو شاعر زن به نام‌های سپیده کاشانی، شاعره نستوه و بلند مقام ایران و فدوی طوقان، شاعره متعهد و رمانتیک فلسطین را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد.

۱-۲- پیشینه تحقیق

در نگاهی گذرا، در می‌یابیم که بخش قابل توجهی از شعر عربی فلسطین و شعر فارسی دفاع مقدس را آثاری با هویت دینی و مذهبی همراه با عشق و پایبندی به آب و خاک تشکیل می‌دهد. دو شاعر، با نگرش مذهبی و ملی همراه با بهره‌گیری از نمادها و اسوه‌ها، به شعر پایداری نگریسته‌اند که کمتر مورد عنایت ادب دوستان قرار گرفته است. پژوهشی تحت عنوان «ادبیات مقاومت در شعر فدوی طوقان» در قالب پایان‌نامه به نگارش درآمده که نگاهی ویژه و انحصاری به اشعار این شاعر زن داشته است. تا آنجا که جستجو به عمل آمده است، پژوهشی مستقل و کامل با نگاهی علمی که اشعار دو شاعر را با رویکرد تطبیقی مورد بررسی قرار داده باشد به انجام نرسیده است؛ بنابراین موضوع پژوهش بکر و جدید است.

۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

ادبیات پایداری، یک رویکرد مهم ادبی است که در آغاز حرکت ادبی در دو ادبیات ایران و عرب شکل گرفته و در هر دوره، با فراز و نشیب‌های فراوان روبه‌رو شده است؛ اما در هر حال حضوری فعال و پویا داشته است و همواره در راه تکامل است؛ لذا پرداختن به این موضوع، به دو دلیل دارای اهمیت است: نخست آنکه دفاع هشت ساله ملت ایران در برابر استکبار جهانی و مقاومت مردم فلسطین در سیطره اشغال، تأثیر شگرفی بر حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، هنری و ... داشت. ادبیات نیز از این تاثیر بی بهره نماند و شاعران و نویسندگان، در طول دفاع مقدس و پس از آن، آثاری فاخر و بدیع در قالب نظم و نثر آفریدند. دیگر آنکه حفظ و ترویج آثاری که در حوزه پایداری به نظم کشیده شده است و معرفی آن به نسل

حاضر که در حال و هوای دیگری به سر می‌برند و دوران صبوری و ایستادگی فرزندان میهن خود را درک نکرده‌اند، بایسته و ضروری است.

۲- بحث

۲-۱- مختصری از زندگی ادبی فدوی طوقان

«فدوی عبد الفتاح آغاطوقان، در سال ۱۹۱۷ م، در شهر نابلس در کرانه باختری رود اردن در خانواده‌ای اصیل، سنتی، توانگر، ادیب و فرهیخته، دانش‌پرور، چشم‌به‌جهان گشود. برادر بزرگتر او، ابراهیم طوقان، از شاعران مطرح دهه سی و چهل بود که فدوی تمام زندگی اجتماعی، فرهنگی و ادبی خود را مدیون اوست. او به همراه نازک الملائکه (پایه‌گذار شعر معاصر عرب عراق) و هم‌میهنش، سلمی الخضره الجیوسی، از برجسته‌ترین بانوان شعر عرب هستند» (الشیخ ۱۹۹۴: ۲۳).

«فدوی، سرودن شعر را با گرایش رمانتیک و در قالب اوزان سنتی آغاز نمود و مهارت خود را در آن به اثبات رساند؛ سپس در همان مراحل نخست، به شعر «حُرّ» گرایید» (شفیعی کدکنی ۱۳۸۰: ۲۵۱).

فدوی طوقان، در راه آزادی وطن از دست دشمنان تجاوزگر، با مبارزان فلسطینی همراه و همصدا شد و نام خود را در میان شاعران معاصر عرب و به ویژه شعرای مقاومت فلسطین، جاودانه کرد. سرانجام او در سال ۲۰۰۳ م، مقارن با دستگیری صدام جنایتکار، دیده از جهان فرو بست.

۲-۲- مختصری از زندگی ادبی سپیده کاشانی

سرور اعظم باکوچی (سپیده کاشانی) در مرداد ۱۳۱۳ هـ. ش در شهر کاشان، در کانون گرم خانواده‌ای که به مبانی اسلامی سخت پایبند بود، دیده به جهان گشود. وی در زادگاه خود، تحصیلات ابتدایی را در دبستان هفده دی و دوره متوسطه را در دبیرستان شاهدخت به پایان رساند و پس از آن، به تهران مهاجرت کرد.

سپیده کاشانی، اشعار خود را در دو مقطع سروده است. در آن زمان که شاه منفور به ننگین‌ترین جنایات و خیانت‌ها به ملت مظلوم ایران دست می‌زد؛ آثاری را علیه او به نام «نغمه آزادی» منتشر کرد.

«آغاز فعالیت‌های شعری وی، به‌طور جدی از سال ۱۳۴۸ بود. در سال ۱۳۵۲ دفتر شعری به نام «پروانه‌های شب» از او به چاپ رسید که همه آن به فضای خفقان آور آن زمان اشاره داشت» (اصلائی، ۱۳۸۳: ۱۸).

شعر سپیده بر پیام دلالت دارد. پیامی که بیانگر روایت واقعیت‌هایی است که با چشم خود دیده است و تأثیرات آن بر روح شاعر آنقدر زیاد بوده که او نتوانسته از کنار آن عبور کند؛ مثلاً در بیت زیر، به مسئله تاریخی اشاره دارد:

باد پیغام آرد، هر دم از هجرتی تلخ / می‌رسد هر دم از ره، مرکب بی‌سواری
(کاشانی ۱۳۸۹: ۲۷۸).

۲-۳- جلوه‌های پایداری در اشعار فدوی طوقان و سپیده کاشانی

اکنون به برخی از جلوه‌های مقاومت در اشعار فدوی طوقان و سپیده کاشانی می‌پردازیم.

۲-۳-۱- شهادت و جسارت در قلم و گفتار

از جمله شاخصه‌های شعر فدوی و سپیده، شهادت در بیان و تصویرگری است که نقش آنها را در ادبیات مقاومت پررنگ‌تر می‌نماید. فدوی با وجود اینکه در شرایط سخت و نفرت‌آور اشغال زندگی می‌کرد، حقیقت‌جایگاه و نقشش را به خوبی فهمیده است. بندهایی از قصیده «لن أبکی» را در تأکید این مفهوم می‌آوریم:

«أحبائي / مسحت عن الجفون ضبابة الدمع الرمادية / فكيف الجرح يسحقني؟ /
و كيف اليأس يسحقني؟ / وكيف أمامكم أبكي؟ / يمينا، بعد هذا اليوم لن أبكي!»
(طوقان، ۱۹۸۸: ۳۹۵ و ۳۹۶).

شاعر در این قصیده، راه جهاد را در پیش می‌گیرد و سعی می‌کند که با زدودن حزن و مویه از چهره خود، روحیه مبارزه و جانفشانی را در تار و پود هموطنانش زنده نگه دارد؛ از این رو برای بالا بردن روحیه رزمندگان، هرگز نمی‌گیرد؛ بلکه با پیشتازان به پیش می‌تازد و با مقاومت‌کنندگان مقاومت می‌کند. فدوی در قصیده «الفدائي والأرض» شاعری متعهد است که از مرز کلام و دایره کلمات پا را فراتر نهاده است. او به این واقعیت رسیده است که با تأسف خوردن

و نوحه‌سرایی بر آلام وارده بر ملت فلسطین، نمی‌توان آنها را نجات داد؛ بلکه می‌بایست برای رهایی از سیطره متجاوزین از جان و دل گذشت و جانانه مبارزه کرد.

«هل أحمى أهلى بالكلمة؟ / هل أنقذى بلدى بالكلمة؟ / كل الكلمات اليوم / ملح لا يورق أو يزهر / فى هذا الليل...»^۲ (همان: ۱۷۵).

سپیده کاشانی نیز، به خوبی بر تاثیر و نفوذ عمیق قلم خود واقف است؛ لذا از شعر خود همانند اسلحه‌ای کارساز برای رسوا نمودن دشمن و دفاع از انقلاب و ارزش‌های آن استفاده می‌کند؛ از این رو، برای مؤثر واقع شدن سخنش، رشادت و شجاعت شخصیت‌های تاریخی را دست‌مایه شعر خود قرار می‌دهد. در ابیات زیر تلمیحی به صحابه پیامبر(ص) «ابوذر» دارد؛ انسان وارسته‌ای که آوازه شجاعت و زبان آتشینش بر زبان‌ها است. این شخصیت در ادبیات فارسی، تمثیلی از انسانیت، شهامت، حق‌خواهی و عدالت‌طلبی است. نمونه شعر زیر، گواه بر شهامت و نافذ بودن سخن شاعر در ترغیب و تحریک رزمندگان اسلام است:

ولی ای شهید، سوگند به شط خون پاکت

پس از این برای دشمن، قلم است خنجر من!

ز برای آنکه شبنامه دشمنان نویسم

همه قطره قطره خون من است جوهر من

به مسلسل قلم، جان، چو گلوله می سپارم

که ز منم به سینه خصم زمان، ابوذر من!

(کاشانی ۱۳۸۹: ۱۰۱)

۲-۳-۲- تحریض و تهییج رزمندگان

یکی از کارکردهای هنر و شعر، تحریض و تحریک احساسات است. این ویژگی در شعر مقاومت، به طرز نمایانی برجسته و شکوهمند است. در اشعار فدوی، انگیزه دادن به مبارزان و برانگیختن آنها برای مبارزه و مقاومت، قابل اعتناست. گفته‌ی وی با زبان پسر عمویش «حمزه» در دیداری که با او داشت بعد از اینکه اشغالگران خانه اش را بمباران کرده بودند:

«إصمدی لاتضعفی یا ابنة عمی / هذه الارض التي تحصدھا / نار الجریمة / التي تنكمش الیوم بحزن و سكوت / هذه الارض سیبقی / قلبھا المغدور حیاً لایموت»^۳ (طوقان، ۱۹۸۸: ۲۵۳).

شاعر، ارزش و جایگاه مفاهیم دینی را در تحریک عواطف به خوبی می‌داند، قدرت ایمانی که از دین نشئت می‌گیرد؛ لذا از زبان مادر که فرزندش را با کتاب قرآن روانه جنگ می‌کند، چنین می‌سراید:

«یا ولدی / اذهب! / و حوطة أمه بسورتی قرآن / اذهب و عودته باسم الله و الفرقان / كان مجدها و كبرياءها و كان / عطاءها الكبير للأوطان»^۴ (همان: ۱۷۵).

شعر فدوی، تأثیر بسزایی در تحریک مردم علیه استعمار و صهیونیسم داشته است. شاعر در ادامه قصیده «حمزه» مقاومت مبارزان فلسطینی‌ها را در شخصیت انسانی به نام «حمزه» به تصویر می‌کشد. او با انتخاب این نام برای قصیده و با به تصویر کشیدن رفتارهای ددمنشانه اشغالگران، مقاومت و ایستادگی فلسطینیان را می‌ستاید.

لحن خطابی، واژه‌های گرمخون و آهنگ توفنده در رگ رگ مصراع‌های شعر کاشانی جریان دارد. در سروده‌هایش، واژه‌ها و عبارات «برخیز»، «بستیز»، «ای برادر»، «سرباز» با حالت خطابی و «رزمندگان» بارها تکرار می‌شود که این تکرار در القا و تثبیت مفاهیم و درونمایه شعر، تأثیر ژرف و تعیین کننده دارد. در سرآغاز بسیاری از سروده‌ها، شاعر با حالت ندا و خطاب، شعر را آغاز می‌کند؛ گویی در فضای روانی آن لحظه‌ها، مجال تأمل و درنگ یا آوردن مقدمه و زمینه برای ورود به متن در اختیار شاعر نیست:

ای اختر برج شرف، برخیز، برخیز! / بار دگر با دشمن دیرینه، بستیز
بار دگر سر کن سرود لاله‌ها را / روشن کن از دیدار خود، چشمان ما را

(کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۷۱)

سروده‌ها و اشعار این شاعر، نقش مهمی در تبیین اهداف دفاع مقدس داشت؛ به-خصوص که در زمان دوران جنگ پخش می‌شد و در تهییج و ارتقای روحیه حماسی مردم تأثیرگذار بود. سروده‌های سپیده که به تهییج و تحریک رزمندگان اختصاص

دارد، با تکیه بر فرهنگ عاشورا و ترسیم ارزش شهادت و به یاد آوردن ارزش فداکاری و ایثار، با تکیه بر آیات و روایات، رزمندگان را به مبارزه علیه دشمن فرا می‌خواند. باید اساس فتنه ویران کرد/ باید نگون، تخت امیران کرد داد این پیام، آلالهٔ پرپر/ ننگ است ما را مرگ در بستر (همان: ۱۷۴). و یا در ایات زیر با لحنی حماسی و طرب انگیز و رجز گونه به تهییج و تشویق مبارز و مدافع وطن می‌پردازد:

هیمة عشق را شرر، از نفس دعا بزن / موج زنان برو برو، ببر به سر، قرار را
نشسته خصم خاروش، به ساقه نگاه تو/ به حربه مقاومت، بکن ز ریشه خار را
(همان: ۲۱).

۲-۳-۳- پایبندی به سرزمین و وطن

یکی از عناصر شعر پایداری، وطن دوستی و عشق به میهن است. وطن، جایگاه امید و آرزوست؛ جایی که مردمان فلسطین و ایران، برای آزادی و استقلالش مبارزه می‌کنند و به مقاومت خود در برابر بیگانگان متجاوز و اشغالگر ادامه می‌دهند و امیدوارند که به زودی به پیروزی برسند.

«إفتحی صدرک یا أرض الجُدود / إفتحی صدر الأمومة / و اخصنیها
فالقرايين غوالی / القرايين غوالی»^۸ (طوقان، ۱۹۸۸: ۴۱۱ و ۴۱۲).

فدوی در این قصیده، جوهرهٔ تعهد به سرزمینش را به خواننده نشان می‌دهد. سرزمین مقدسی که با وجود تمام رنج‌ها و مصیبت‌ها و فجایعی که در آن رخ داده، همچون زن شجاع و نستوهی است که با پرورش نسلی مبارز، پیروزی را برای سرزمینشان به ارمغان خواهد آورد.

فدوی در بخشی دیگر از اشعار خود، اوج تعصب و عشقش را نسبت به فلسطین اظهار می‌کند. او بزرگترین آرمانش، آزاد سازی میهنش از گام‌های ناپاک اشغالگران است؛ از این رو، قربانی خود و فرزندان میهنش را برای رهایی فلسطین ناچیز می‌داند:

«یا فلسطین إطمئنی / أنا و الدار و أولادی قرايين خلاصک / نحن من أجلك
نحیا و نموت»^۸ (همان: ۲۲۹).

وابستگی به خاک وطن، به عنوان جلوه ای از جلوه های تعهد، در بسیاری از شعرهای مقاومت دیده می شود. عشق به وطن و ستودن خاک در اشعار سپیده به زیبایی جلوه نمایی می کند. قلب سپیده، همواره برای سرزمین و وطن خود می تپد؛ تا جایی که با لحن آتشین و جسورانه خطاب به دشمن، عشق و علاقه وافرش به وطن را اینگونه اظهار می کند:

تم گرسوزی، به تیرم بدوزی / جدا سازی ای خصم، سر از تن من
کجا می توانی، ز قلبم ربایی / تو عشق میان من و میهن من

(کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۰۴)

خرمشهر در نگاه شاعر، سرزمینی پاک و مقدس است. محراب عبادت و شهر شهادت و مقاومت که رشادت ها و جانفشانی های بسیاری در آن خلق شده است. از این رو، شاعر حس وطن دوستی خود را با نمادها و نشانه های دینی در هم می آمیزد:

ای خاک خرمشهر ای خاک گهر خیز / ای سینه پر آذرت از قصه لبریز
خاکت ببوسم خاک تو بوسیدنی شد / گل های خرمشهر من بوئیدنی شد
ای قله ایثار و محراب عبادت / آه ای مقاوم شهر ای شهر شهادت

(همان: ۱۷۲)

بنابراین وطن در نگاه سپیده، چشم اندازهای شکوهمند نور و ایمان، مقاومت و ایستادن است و تلفیقی از عشق و ایمان در ذهن شاعر، وطن را هویت می بخشد.

۲-۳-۴- تجلیل از مقام شامخ شهید و شهادت

شهید و شهادت، مقوله ایست که در اغلب نبردهای مقدس از آن یاد می شود و روی سخن بسیاری از شاعران مقاومت با آنان است. در اسلام نیز، به این مسئله اهمیت داده شده و کسانی را که در راه خدا ایثار می کنند و جان خود را از دست می دهند، مرده نمی پندارد.

یکی از شهدائی که جایگاهش در شعر فدوی تحسین شده است «منتهی حورانی» است. دخترکی فلسطینی که به سان پرچمی بر فراز وطن در ذهن شاعر نقش می بندد تا به مردم درس ایستادگی و پایداری بیاموزد:

«تفتّح مرئولها فی الصباح / شقائق حمراء و باقات ورد / و عادت إلى الكتب المدرسية کل سطور الکفاح التي حذفها»^۹ (طوقان ۱۹۸۸: ۵۶۳).
در انتها شاعر با اقتباس از آیه «وما قتلوه و ما صلبوه و لکن شبه لهم» (نساء: ۱۵۷) واقعه عروج حضرت عیسی (ع) را به آسمان‌ها، نمادی قرار می‌دهد برای شهادت «منتهی» تا از طریق آن بر جاودانگی و حیات «شهدا» تأکید کند:
وما قتلوا منتهی و ما صلبوها / و لکنما خرجت منتهی / تعلّق أقمار أفراحها فی السماء الکبیرة / و تعلن أنّ المطاف القديم انتهى / و تعلن أنّ المطاف الجدید ابتداءً^{۱۰} (همان: ۵۶۳).

این قصیده در مورد دختر بچه‌ای به نام «منتهی» است که بی‌گناه شهید شد. فدوی با تعبیر «الشقائق الحمراء» به خون جاری بر پیکره دختر شهید اشاره می‌کند و معتقد است که این لاله‌های سرخ، به عنوان رمز مصیبت و درد و رنج، پیام آور مبارزه و آزادی‌اند.

«فدوی از روایت قرآنی سرگذشت حضرت مسیح (ع)، الهام گرفته است. نفی رویداد بر صلیب شدن حضرت مسیح (ع) در این شعر، دستمایه‌ای است برای شاعر که مرگ فدایی را مرگ ثمر بخش و رستاخیز گونه جلوه دهد. بر خلاف تصور اشغالگران که بسان نیاکان خویش، گمان می‌برند که با شهادت مسیح (ع) (فدایی)، رسالت وی محو خواهد شد، مرگ «منتهی» شهید، فدایی، پیام آور تداوم جریان مقاومت است» (صرصور، ۲۰۰۵: ۹۵).

سپیده کاشانی نیز، با درک اهمیت این مسئله در اشعار خود به تجلیل و تمجید از مقام شهدای دفاع مقدس پرداخته است و زیباترین اشعار را در حق آنان سروده است؛ چرا که شهادت آرمان شاعر محسوب می‌شود:

مسلمانم و آرمانم شهادت / تجلّی هستیست جان کندن من^{۱۱} (کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

سپیده کاشانی در اشعار خود به مقام والای شهید ارج نهاده و آن را یک ارزش برتر معرفی می‌نماید و با لحنی حماسی به وجود آنها افتخار می‌کند و آنها

را می‌ستاید. جان بر کفانی که در راه عقیده خویش و به شوق کعبه مقصود، بال عشق گشودند و بر تمامی ظواهر دنیا چشم دوختند:

سحر، شکفتی و بر اوج نور لانه گرفتی / غروب، شعله کشان در شفق زبانه گرفتی
چنان غریبو کشیدی میان بستر گل‌ها / که سکر خواب خوش از عطر رازیانه گرفتی (همان: ۲۷۲).

شهید در شعر سپیده، به خوبی تکریم شده است که سبک بال و تیزبال، همراه با بال همت و آزادگی به میدان نبرد روانه می‌شود و هفت وادی اشراق را پشت سر می‌گذارد:
به شوق کعبه مقصود بال عشق گشودی / همه یقین شدی و راه بر فسانه گرفتی
به بال همت و آزادگی به اوج رسیدی / تمام، او شدی و فر جاودانه گرفتی...
بر این گذرگه شنگرف، جای پای تو دیدم / شهید عشق شدی راه آن یگانه گرفتی (همان: ۲۷۳).

در دوران اوج‌گیری مبارزه، عشق همواره با شهادت، پاکبازی، خون، ایثار و وصال محبوب همراه است که این عشق و دلدادگی به خوبی در غزل زیر به تصویر کشیده شده است:

برادر مبارزم، زمزمه کن بهار را / بچین ز شاخه یقین، میوه انتظار را
بهار شد، بهار شد، وطن چو لاله زار شد / تا که شمارد این همه، لاله بی شمار را
به خون رقم زدند تا قصه روزگار من / بخوان، بخوان ز دفترم شوکت این تبار
را (همان: ۲۱).

این غزل در حقیقت، نوعی قصیده به شمار می‌آید؛ چرا که شاعر از همان آغاز، قصد توصیف و ستایش دارد؛ اما سیطره روح غزل بر سروده، شعر را میان غزل و قصیده قرار می‌دهد. «این سروده‌ها، هرگز یادآور توصیف‌های دروغین و بی‌بنیادی نیست که شاعر خود باور نداشته باشد. شاعر در بهت و شگفتی، شاهد و ناظر عظمت‌ها و رشادت‌های رزمندگان است و گویی گریز و گزیری از ستودن ندارد» (سنگری ۱۳۸۰: ۸۵).

امیدوار کردن مخاطب به آینده‌ای روشن همراه با پیروزی و آزادی، از دیگر ویژگی‌های اشعار ملی و میهنی فدوی و سپیده است؛ به عنوان نمونه، فدوی در قصیده «حرية الشعب» که همواره آهنگی حزن آلود، آن را همراهی می‌کند، این روحیه را به خوبی بیان می‌کند. شاعر نسبت به سرزمینش احساس تعهد دارد و امیدوار است که زمانی فرا رسد که شب تاریک و جانکاه جور و ستم به سرآید و صبح صادق پیروزی و آزادی از افق به درآید:

«ستقوم الشجرة / ستقوم الشجرة و الأغصان / ستتمو فی الشمس و تخضر / و ستورق ضحکات الشجرة / فی وجه الشمس / و سیأتی الطیر / لا ید سیأتی الطیر / سیأتی الطیر»^{۱۲} (طوقان، ۱۹۸۸: ۲۲۰).

در قصیده «الطوفان و الشجرة» طوقان، رمز اشغال و آوارگی و «الشجرة» سرزمین اشغال شده و مردم سرزمین است. این قصیده، پاسخی بر رادیوهای بیگانه متخاصم است که فرجام جامعه عرب را در نابودی و تجزیه می‌دیدند؛ اما درخت هرچند سقوط نموده، ولی دارای ریشه‌های ژرف است که دگر بار آهنگ استقامت را در سراسر سرزمین اشغال شده، طنین انداز می‌نماید و آزادی و پیروزی را برای سرزمینش به ارمغان می‌آورد.

فدوی، معتقد است که برای تصاحب آزادی باید بهای گرانبهایی را هزینه کرد و وصف آزادی به رنگ سرخ به این مفهوم است که آزادی جز با خون به دست نمی‌آید و این مضمون را در ابیات زیر تأکید می‌کند:

«لکن للثأر غدا هبة / جارقة الهول، عصفوا عمم

فالضربة الصماء قد ألهمت / فی کل حرّ جذوة تضطرم

لن یقعد الأحرار عن ثأرهم / وفی دم الأحرار تغلی النقم»^{۱۴} (همان: ۶۷)

بدون شک این مقاومت شجاعانه که بر مدار سرزمین اشغالی در حرکت است، به سان چراغی است که شعله اش جاودانه برافروخته است و نسیمی از خونخواهی است که فدوی به آن ایمان قلبی دارد و از زمان شکست در دل جوانان ملت آزاده اش رسوخ نموده است.

سپیده با تکیه بر باورهای دینی و اسلامی، با رزمندگان اسلام همراه است و با اعتقاد بر اینکه خون بر شمشیر ستم پیروز است، سرود آزادی و ظفر را می‌سراید و بارقه امید و رهایی را در دل‌های رزمندگان زنده می‌کند:

خون به شمشیر ستم پیروز است / مهر اسلام، جهان افروز است
آری، این قافله، دشمن سوز است / سحر از خون شما رنگین شد
صبح آزادی، عطر آگین شد / روز از عزم شما نوروز است (کاشانی، ۱۳۸۹: ۴۸۹).
بهار زیبای آزادی با همه وجود در اندیشه شاعر جلوه‌گری می‌کند و همگان را به سوی چنین بهاری فرا می‌خواند:
ما را بهاری باید از این دست، آری / ما راست در آزادگی، رنگین بهاری
(همان: ۱۴۸).

شاعر برای میهن، قلب‌تپنده‌ای را متصور شده است که فریاد آزادی خواهی و رهایی از یوغ و زنجیر بردگی و اسارت را برای انسان سر می‌دهد:

زنجیر ما یکی است
این قلب میهن است، میهن
که می‌تپد به سینه پرشورت
باید که بگسلیم باهم
زنجیر بردگی (همان: ۴۵۷).

۲-۳-۶- استفاده از نمادها در بیان حماسی رویدادها:

فدوی و کاشانی، در ابراز احساسات عمیق خویش نسبت به سرزمین غصب‌شده خود و دعوت به پایداری و استقامت، از روش‌های نوین ادبی سود جستند؛ از جمله این شیوه‌ها به کارگیری «نمادها» است.

یکی از نمادهایی که در اشعار فدوی طوقان در رابطه با موضوع مقاومت به چشم می‌خورد، استفاده از نمادهای طبیعی است؛ برای مثال، شاعر از «اسب» به عنوان نمادی از انقلاب و جوشش در اشعار خود یاد می‌کند و می‌سراید:

«أَحْبَائِي حِصَانُ الشَّعْبِ / جَاوَزَ كَبْوَةَ الْأَمْسِ»^{۱۶} (طوقان، ۱۹۸۸: ۸۷).

فدوی از شاهین به عنوان نمادی از (شجاعت و دلیری) در قصایدش یاد می‌کند. اشاره‌ای است به روح شهدای آزاده، کمال ناصر، محمد یوسف نجار و کمال عدوان که وحشت و تاریکی زندان‌های اسرائیل آنها را ربود.

نسرأ ففسراً / غالهم وحشُ الظلام^{۱۷} (همان: ۵۵۹)

او از رنگ‌ها نیز، به عنوان نماد استفاده می‌کند؛ برای مثال وی، رنگ قرمز را نمادی از (خشم و طغیان و درد و رنج) می‌شمارد:

«تَفْتَحَ مَرِيولها فِي الصَّبَاحِ / شَفَاتِقِ حَمراً و باقاتِ وِرد»^{۱۸} (همان: ۵۶۱).

واژگان طبیعت و اسامی گل‌های بهاری در شعر کاشانی به چشم می‌خورد. نخل را برای رزمندگان اسلام، به عنوان نمادی برای مقاومت و ایستادگی به کار برده است و مرغان آتشخوار را نماد سنگدلی و درندگی برای جنگنده‌های دشمن به کار برده است:

نخل سترون مات بر پای ایستاده / مرغان آتشخوار بر جانش فتاده (کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۴۷).

«از جمله نمادها و تشبیهاتی که در بیشتر سروده‌های پایداری می‌توان دید، عکس‌برداری و شبیه‌سازی از لاله و شقایق است. شباهت تصاویر در احضار و استخدام لاله و شقایق از میان گل‌ها در شعر کاشانی به حدی به هم نزدیک است که در مواردی مستعمل و بی‌روح شده، پویایی و تازگی خود را از دست داده است» (اکبری، ۱۳۸۸: ۱۴۶).

فصلی به راه عشق جان ارزان فروشیم / فصل دگر لاله صفت از خاک جوشیم (کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۶۶).

خاک تو با خون بهم آمیختند / لاله از آن خاک برانگیختند

بذر شقایق همه جا کاشتند / رایت صبح ظفر افراشتند (همان: ۲۵۴).

این شاعر در سروده‌های مربوط به دفاع مقدس، از کلمه بهار و نام انواع گل‌ها استفاده کرده است و واژه «گل زخم» را برای جنگ به کار برده است.

صبح آزادی ز خون سرزد، گل از گل زخم‌ها

خشم زد فواره از حلقوم و از باور گذشت (همان: ۸۴).

از دیگر نمادهای منفی در اشعار سپیده، واژه «ابرهه» است که اشاره به صدام دارد که انصافاً با خفت و خواری و ژولیده و آلوده از قعر زیرزمین او را بیرون کشیدند و به سزای اعمال وحشیانه خود رسید. گویا شاعر به گل نشستن چنین انسان جانی را نزدیک می‌دید و می‌دانست که روزی فرا خواهد رسید که در باتلاق ذلت فرو نشیند.

چشم گشا «ابرهه» در گل نشست / نور فللق ظلمت باطل شکست
(همان: ۲۰۹).

صهیونیست‌ها با کشتار مردم بی‌پناه «صبرا و شتیلا» در سال ۱۹۸۲م، ننگین‌ترین جنایت‌ها را بر صفحه اذهان جهانیان حک نمودند لذا شاعر برای خلق روحیه پایداری و مقاومت در مقابل استکبار جهانی، از نمادهای کربلا، صبرا، شتیلا و قدس استفاده می‌کند:

می‌رویم آری به سوی کربلا / گر بیارد ز آسمان ابر بلا
تا به صبرا و شتیلا می‌رویم / تا دیار قدس اعلا می‌رویم (همان: ۱۳۶)

ویژگی‌های اصلی نمادهای شعر سپیده، برخلاف نمادهای شعر فدوی که ابتدا در قالب غموض و ابهام است؛ سپس به تشریح آنها می‌پردازد، سادگی و قابل فهم بودن آنها برای مخاطب است.

۲-۳-۷- زنان اسوه‌های صبر و مقاومت

در طول تاریخ کم نبوده‌اند زنانی که در شرایط بحرانی، با درایت و تدبیر باعث تحولی بزرگ در جامعه خود شده‌اند. در آیات نورانی قرآن هم در چندین مورد از زنان تأثیرگذار در تاریخ زندگی انسان‌ها نام برده شده است.

در شعر فدوی، جایگاه زنان در جریان مقاومت فلسطین، بیشتر در قالب نماد، مطرح شده است. فدوی در برخی از اشعار خود، نقش مادری مهربان و غمخوار را ایفا می‌کند و از فرزندش می‌خواهد تا در راه آزادی وطن گام نهد؛ هر چند که در این راه شهید شود:

«یا ولدی / اذهب ، فما أعز منك یا / بنی إلا الأرض»^{۱۹} (طوقان، ۱۹۸۸: ۳۹۱).

شاعر در این قصیده با به تصویر کشیدن گفتگوی محبت آمیز مادر با فرزند مبارز و دلبندهش و نیز، با برقراری پیوند میان زمین، مادر و معشوقه عشق خود به وطن را به مخاطبش بیان می‌کند.

درخت نخل که «به‌طور کلی نماد فتح، عروج، بازآفریدگی و جاودانگی است» (شوالیه، ۱۳۷۹:۱۳۷) در شعر فدوی، نماد رزمندگان مقاومت است که در دامن مادر فلسطینی برای ایستادگی و پایداری، رشد می‌کنند و مجال برای عروج و تعالی می‌یابند. شاعر از زبان یکی از هموطنان خود در مورد خاک وطنش می‌گوید که این زمین هرچه بخواهی به تو می‌دهد و به تو نگاهی مادرانه دارد. در ایبات زیر، زمین به زنی تشبیه شده است که در بطن خود، نیروی مخفیانه‌ای دارد؛ نیرویی که با آن، ملتی مبارز و قهرمان را پرورش می‌دهد:

«هذه الأرض امرأة / فی الأُخادید و فی الأرحام / سرّ الخصب واحدٌ / قوّة السّرّ التي تُنبئ نخلا / و سنابل / تُنبئ الشعب المُقاتل»^{۲۰} (طوقان، ۱۹۸۸:۴۱۸).

کاشانی به شایستگی، ایستادگی و مقاومت زنان را در طول هشت سال دفاع مقدس در قالب شعر به تصویر کشیده است؛ مادرانی که جگر گوشه هایشان را با بصیرت و رضایت قلبی، برای آزادی میهن عزیز روانه میدان نبرد می‌کنند. بیان این صبوری‌ها و حماسه‌های زیبا، در اشعار سپیده به خوبی مشهود است:

ای زن مسلمان!

بر سپهر ایمان، همچو اختری

صبر و استقامت

پاکی و نجابت را، تو مظهري

ظلمت ستیزا، گرد آفرین زمانه‌ای!

اسوهٔ جهانی، زینب زمانی، جاودانه‌ای (کاشانی، ۱۳۸۹:۴۸۲).

قصیده‌ای با عنوان «شیرزنان ایران»، وصف حال زنان ایرانی است که در آفریدن حماسه‌های باشکوه دفاع مقدس، نقش به‌سزایی داشتند. شیرزنانی که سپیده در جستجوی آنان بود، در انقلاب اسلامی یافت؛ زنی که مظهر خودآگاهی تاریخی و بیداری است:

گردآفرین، آفرین باد بر صبر بار آور تو
رشک بهار است ای زن، دامان گل پرور تو....
ای چشم بیدار امت! ای فخر بانوی کوثر
ای در صبوری چو زینب، شاد از تو پیغمبر تو...
فریاد کردی عزیزان، سر زد فلق، «فاستقاموا»
کاخ ستم را فرو ریخت فریاد عصانگر تو
یکدست قرآن و دستی، آن شعله ور مشعل عشق
از شب گذشتی و تایید فجر نوازشگر تو
(همان: ۲۷۵ و ۲۷۶)

از زاویه شعر سپیده، زنان شخصیت های صبور، بردبار و شکبیا هستند؛ هرچند در طول جنگ، مصیبت های فراوانی را تحمل نمودند؛ اما با تاسی از ام المصائب، زینب کبری (س) شجاعانه همراه با امید، برای پیروزی فرزندان دلیرشان تلاش نمودند. شاعر خود، طی دو یادداشتی که به جنوب داشته است با عنوان «حکایت آنان که بقا را در بلا دیدند» به خوبی همت، صبر و استقامت زنان را در پشت سنگرها مشاهده نموده و لمس کرده است.

به اعتقاد حضرت امام خمینی (ره)، زنان در انقلاب حق بیشتری از مردان دارند. آنان مردان شجاع را در دامان خود می پروراندند و به لطف عفاف و عاطفه، شریف ترین و باعظمت ترین نقش خود را جهت پرورش اسطوره های مقاومت و غیور مردان جنگ و زاهدان شب و خط شکنان جبهه نبرد، به بهترین وجهی ایفا کردند.

شهید راه خدا گشت نور دیده تو / خجل ز صبر تو شد اشک دانه دانه ما
چه کوثریست خدایا که جوشش آغازید / چه نغمه ایست در این موج پر ترانه ما

(همان: ۲۶)

کاشانی در این ابیات، تصویرگر ایمان، رشادت، ایشارگری و صبوری شیرزنانی است که گام به گام با مردان در دفاع مقدس پیش رفتند؛ زنانی که صبوری و شجاعت آنان شاخص ترین ویژگی آنان در ادبیات پایداری است.

از میان شهرهای فلسطین، «قدس» بیشترین بسامد را در شعر پایداری دارد؛ چرا که قدس، رمز امت اسلامی است که در مقابل تجاوز و اشغال جسورانه مقاومت نموده است.

«فدوی، با اسلوب تشخیص زیبایی، قدس را انسانی تصور نموده است که تازیانہ می خورد تا جایی که در مقابل دیدگان جلادان، خون جاری می کند؛ لذا در قصیده «إلى السيد المسيح في عيدهِ» به حضرت مسیح شکایت می کند و اینگونه می سراید» (نابلسی، ۱۹۶۶: ۹۴).

«یا سید، یا مجد الاکوان / فی عیدک تُصلَبُ هذا العام / أفراحُ القدس / القدس علی دربِ الآلام / تُجلدُ تحتَ صلیبِ المحنہ / تنزِفُ تحتَ یدِ الجِلال»^{۲۱} (طوقان، ۱۹۸۸: ۲۲۸).

قدس، در نگاه فدوی، رمزی برای امید و روشنی است که پیروزی و ظفر را نوید می دهد. شاعر با کلماتی که در قالبی ساده بیان نموده، قدس را سرزمین نور و خورشید معرفی می کند که به دنبال خود آرامش و برکت را به همراه دارد:

«أنا من روابی القدس / وطن السنی و الشمس ...»^{۲۲} (همان: ۴۱۲).

سپیده، مردم قدس را که آواره و ستم‌دیده می بیند، برایشان شعر می سراید، به حمایت از آنها برمی خیزد و ستم‌های رفته بر قدس را به گوش جهانیان می رساند؛ چرا که مسئله قدس برای شاعر، غیر از بعد دینی آن، مسئله انسانی و جهانی به شمار می رود؛ از این رو، با ملت قدس احساس همدردی می کند و از اینکه مظلوم و بی گناه شهید می شوند می ستاید:

فرزند بی گناه فلسطین! تاریخ عشق از تو مصور
خون تو آن رسالت جاری است هان، ای شهید پاک و مطهر!
کای قبله نخست، می آییم! ای قدس، قدس! قدس منور!

(کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۹۱)

۳- نتیجه گیری

از مهم ترین محورهای اساسی مقاومت در اشعار این دو شاعر، به صورت مقایسه ای در ابعاد مختلف آن نتایج زیر دسته بندی شده و ارائه می شود.

هر دو شاعر با احساسی عمیق به وطن و سرزمین مادری خود که زیر بار هجوم دشمن در حال ویران شدن است، عشق می ورزند. تصاویری که هر دو شاعر از وطن ارائه می دهند، نشانگر عمق مهر آن دو به میهن می باشد. میهنی که گاه در شکل یک مادر ظهور می کند و گاه ویرانه ایست که شاعر بر آن می گرید.

هر دو شاعر در اشعار خود، سعی دارند روح مقاومت را در نزد رزمندگان و مبارزان زنده نگه دارند. آنان به مبارزان این نوید را می دهند که در هر صورت - چه موفق شوند و چه شکست بخورند و به درجه رفیع شهادت نائل شوند، پیروزی نهایی از آن آنهاست. این عقیده را از منبع مشترکی که فرهنگ هر دو شاعر از آن وام گرفته است و آن هم فرهنگ جهاد در اسلام می باشد، می توان منبعث دانست.

هر دو شاعر در اشعار خود، تصویری مقدس از شهید ترسیم می کنند. آنان شهدای راه مقاومت و پایداری را فرزندان راستین سرزمین خود می پندارند که با مرگ خود، بقای سرزمینشان را تضمین کرده اند. نکته شایان ذکر در اشعار هر دو شاعر، در رابطه با شهید این است که هر دو شاعر برای به تصویر کشیدن انتخاب آگاهانه شهدا در مسیری که برگزیدند، تلاش می کنند. نکته دیگر آنکه هر دو شاعر مادر را که نماد مهر و عطوفت و اسوه مقاومت و صبوری است، در تشویق و مقاومت شهدا در انتخاب مسیر شهادت دخیل می دانند و در چند تصویر مادران را نشان می دهند که به بدرقه فرزندان رزمنده خود می روند؛ علی رغم وجوه اشتراک یاد شده، شعر این دو شاعر مقاومت، به طور کلی چندین تفاوت اساسی نیز با هم دارد.

روح امیدواری و آینده ای روشن همراه با عزت و سربلندی، در اشعار سپیده کاشانی در حوزه شعر مقاومت پررنگ تر است؛ مخصوصاً در اشعاری که به ستایش شهدا و رزمندگان می پردازد؛ اما فدوی طوقان، گاه به دلیل گرایش رمانتیکی خود، ترسیم کننده فضای یأس و درد و اندوه و به تبع آن ناامیدی می باشد؛ گرچه این گرایش مقطعی است و در پاره ای از اشعار همچنان به آزادی سرزمین خود و بازگشت به وطن امیدوار است. هر چند که شهدا از منظر دو شاعر از قداست و شکوه و عظمت خاص برخوردارند؛ اما نگاه سپیده به شهید، بیشتر جنبه ملکوتی و خدایی دارد و پرفروغ تر جلوه می نماید.

تفاوت دوم اشعار سپیده کاشانی و فدوی طوقان، بهره‌گیری غالب سپیده کاشانی از مؤلفه‌های دینی و اعتقادی است؛ حال آنکه در اشعار فدوی، این مقوله، کم‌رنگ بیان شده است.

تفاوت سوم اشعار دو شاعر، بهره‌گیری فدوی طوقان از زبانی نمادین و رمزآلود در بیان اشعار است؛ حال آنکه اغلب سروده‌های سپیده کاشانی در حوزه مقاومت، از ویژگی‌های واقع‌گرایانه برخوردار است و کمتر از نماد و رمز بهره گرفته است.

یادداشت‌ها

۱- یاران! غبار خاکستری اشک را از چشم ستردم. چگونه زخم مرا می‌شکند؟ چگونه نویدی مرا می‌شکند؟ چگونه در برابر شما بگیریم؟ سوگند که بعد از امروز نخواهم گریست. ۲- از مردمم با حرف حمایت کنم؟ وطنم را با حرف نجات دهم؟ همه کلمات امروز نمک است، گل نمی‌دهد، برگ نمی‌آورد در این شب. ۳- ای دختر عمویم! مقاومت کن و ضعیف نشو. این سرزمینی که آتش جنایت آن را درو می‌کند، سرزمینی که امروز در حزن و سکوت فرو رفته است، این سرزمین هر چند که در نهادش کینه و نفرت است؛ اما به زودی باقی خواهد ماند و سرزنده به حیات خود ادامه خواهد داد. ۴- پسر برو! و مادر او را با دو سوره از قرآن همراهی کرد. برو! و با نام خداوند و قرآن برایش دعا کرد و عظمت و بزرگی‌اش و تمامی داشته‌هایش را در راه وطن بخشید. ۵- حمزه مانند دیگران از هموطنانم بود. انسان پاکی که از دست رنجش نان می‌خورد؛ مانند قوم ساده زیست و پاک من. ۶- ای سرزمین نیاکان! سینه‌ات را بگشا، سینه مادری‌ات را و آنان را در آغوش بگیر که قربانیان گرانمایند. ۸- ای فلسطین! آسوده خاطر باش که من، خانه، و فرزندانم، همگی در راه رهایی تو قربانی خواهیم شد. ما تنها به عشق تو زنده‌ایم و می‌میریم.

۹- بامدادان، لباس مدرسه‌اش از لاله‌های سرخ و دسته‌های گل شکوفا شد و تمام نوشته‌های مبارزه که حذف شده بود، به کتاب‌های مدرسه بازگشت. ۱۰- آنها منتهی را نکشند، بر صلیب نیاویختند؛ بلکه بیرون رفت تا ماه شادی‌هایش را بر پهنای آسمان بیاویزد و بگوید طواف قبلی پایان یافت و بگوید طواف جدید جان گرفت. ۱۱- در روی یکی از دیوارهای ترکش خورده مناطق جنگی، مصرعی از سرود مشهور سپیده نوشته شده بود آن مصرع چنین بود «مسلمانم و آرمانم شهادت» (پرویز بیگی حبیب آبادی).

۱۲- درخت بر خواهد خاست و شاخه‌ها بر زیر آفتاب سبز خواهند شد. خنده درخت رو به آفتاب برگ خواهد داد و کبوتر خواهد آمد، بی گمان خواهد آمد کبوتر. ۱۳- آزادی ام! آزادی ام! صدایی که آن را با دهانی مملو از خشم تکرار می‌کنم، زیر سایه گلوله و آتش؛ در حالی می‌جنگم که آزادی خویش را طلب می‌کنم، آزادی. ۱۴- اما خونخواهی فردا، طوفانی

مهیّب و سرکش را که فراگیر است، به دنبال دارد. ضربه آرام و خاموشی که در دل هر انسان آزاده‌ای گدازه‌ای فروزان را شعله ور می‌سازد و هرگز انسان‌های آزاده از خونخواهی شان از پا نمی‌نشینند؛ چرا که در خون آزادگان، انتقام‌ها در جوش و خروش است. ۱۵- چه کسی گفته که این شعله را سرکشان دغل باز از بین می‌برند؟ حال آنکه میراث بشریت است و عطای بخشنده خداوندی. ۱۶- یاران! توسن مردم از گودال دیروز برآمده است. ۱۷- غول تاریکی، عقاب‌ها را یکی پس از دیگری درید. ۱۸- بامدادان لباس مدرسه اش از لاله‌های سرخ و دسته‌های گل شکوفا شد. ۱۹- ای فرزندم! برو، چه چیزی عزیزتر از تو به جز زمین است؟ پسرم! ۲۰- این خاک به سان زنی است در گودال و زهدان راز باروری یکی است. قدرت این راز است که نخل و خوشه‌های گندم را می‌رویاند و ملتی مبارز را به بار می‌آورد. ۲۱- آقا! ای فخر کائنات امسال در عید تولد تو شادی قدس را به دار کشیدند. قدس، در کوچه‌های درد، زیر صلیب محنت تازیانه می‌خورد. زیر دست شکنجه‌گر خون می‌بارد و جهانی دل بسته است. بی‌مصیبت این جهان بی‌قید و خشکیده‌ای. آقا، چشم خورشیدش خاموش شد و گمراه و در ورطه سرگردانی است. ۲۲- من از سرزمین‌های اطراف قدسم؛ وطن، روشنی و خورشید. ۲۳- در گرما گرم خون و آتش و طغیان، جنون پیامبر جان برکف عشق، جان برقدم دوست گذاشت. چه گرانبه است این فداکاری ما را خرید و چه بهای گرانی دارد! و با چشمانی که در آن رؤیای عشق و خواب صالح بود. ۲۴- چون عزالدین قسام بودند که در میان بوته‌های کوهی کمین کرده است یا مثل عبدالقادر که در قسطل، زنده و عاشق سرزمین زنده ماند و جنگید.

فهرست منابع

الف - منابع فارسی

۱. اصلانی، محمد رضا، (۱۳۸۳)، لاله کویر زندگی نامه استاد سپیده کاشانی.
۲. بیدج، موسی، (۱۳۷۵)، جشنواره اندوه، تهران: دفتر ادبیات و هنر مقاومت.
۳. سنگری، محمدرضا، (۱۳۸۰)، نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، تهران: پالیزان.
۴. شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۸۰)، شعر معاصر عرب، تهران: انتشارات سخن.
۵. شوالیه، ژان و آلن گرابران، (۱۳۷۹)، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی، چ ۲، تهران: انتشارات جیحون، چاپ دوم.
۶. قزوه، علیرضا، (۱۳۷۴)، یادهای سبز، یادای از شاعران سفر کرده، تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
۷. کاشانی، سپیده، (۱۳۸۹)، مجموعه آثار سپیده کاشانی، تهران: انجمن قلم ایران.

۸. کاکایی، عبدالجبار، (۱۳۸۰)، بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان، تهران: پالیزان.
۹. اکبری، منوچهر، (۱۳۸۸)، جلوه‌های طبیعت و عناصر آن در اشعار جنگ، مجله ادب فارسی دانشگاه تهران، شماره ۲.
۱۰. تاجبخش، پروین، (۱۳۸۹)، رحمدل و اسوه‌های پایداری، مجله ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال اول، شماره دوم، صص ۷۳-۹۳.

ب - منابع عربی

۱۱. قرآن کریم.
۱۲. بکار، یوسف، (۲۰۰۴)، فدوی طوقان دراسة و مختارات، بیروت.
۱۳. شکری، غالی، (۱۹۷۹)، أدب المقاومة، بیروت: دار الآفاق الجديدة.
۱۴. صرصور، فتحیة، (۲۰۰۵)، خصائص الأسلوب فی شعر فدوی طوقان، فلسطين.
۱۵. طوقان، فدوی، (۱۹۸۸)، دیوان فدوی طوقان، بیروت، دارالعودة.
۱۶. کنفانی، غسان، (۱۹۶۶)، أدب المقاومة فی فلسطين المحتلة، بیروت: دارالأدب.
۱۷. النابلسی، شاکر، (۱۹۶۶)، فدوی طوقان و الشعر الاردنی المعاص، مصر: الدار القومية.